

Research Article

## **Investigating the Relationship Between Development and Resource Allocation in the Creation of New Human Settlements During the Years 2011 to 2021 (Case Study: Iran)**

**Bayramzadeh, Nima**

Research Assistant, Department of Geography, Urmia University, Urmia, Iran.

**Mousavi, Mir Najaf**

Professor, Department of Geography, Urmia University, Urmia, Iran.

E-Mail: m.mousavi@urmia.ac.ir

### **Abstract**

The main goal of this research is to investigate the relationship between development and resource allocation in the creation of new human settlements during the years 2011 to 2021 and in Iran. The present research method is applied in terms of its nature and descriptive-analytical in terms of the data collected in a library. The analysis of the collected data has been carried out quantitatively. Several methods have been used to examine the collected data, so Shannon's entropy method is used to weigh the indicators, To evaluate the state of development of the country's provinces using the VIKOR multi-indicator decision-making method, To find the relationship between the variable of human settlements (city and village) as a dependent variable and the variables of resource allocation (property acquisition budget) and development as an independent variable using the Geographical Weighted Regression method and to evaluate the distribution of settlements, the directional distribution method has been used. The results show that most of the human settlements in 2011 were scattered in the northwestern geographical location of the country, and with the passage of time and the increase in the number of human settlements, this trend has changed and the dispersion of human settlements has been more towards the center of the country. Also, the relationship between the variable of human settlements (city and village) and the variables of resource allocation (property acquisition budget) and development shows that the influence of the development of provinces and the share of resource allocation in the creation of human settlements increased from 28% in 2011 to 58% in 2021, The main reason for this is the accumulation of capital and facilities in highly developed areas, which is the reproduction of regional inequality in the country.

**Keywords:** Regional Inequality, Human Settlements, Resource Allocation, Iran.

**Citation:** Bayramzadeh, N.; Mousavi, M.N. (2024), Investigating the Relationship Between Development and Resource Allocation in the Creation of New Human Settlements During the Years 2011 to 2021 (Case Study: Iran), Journal of Geography and Environmental Studies, 13 (49), 120-139.

### **Copyrights:**

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقاله پژوهشی

## بررسی ارتباط توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع در ایجاد سکونت‌گاه‌های انسانی جدید در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ (نمونه موردی: ایران)

نیما بایرامزاده

دستیار پژوهشی، گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

میرنجف موسوی\*

استاد، گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع در ایجاد سکونت‌گاه‌های انسانی جدید در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ و در ایران می‌باشد. روش پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد که داده‌های آن به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت کمی صورت گرفته است. برای بررسی داده‌های گردآوری شده از روش‌های متعددی استفاده شده است به طوری که برای وزن دهی به شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون، برای ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور از روش تصمیم‌گیری چند شاخصه ویکور، برای ارتباط‌یابی میان متغیر سکونتگاه‌های انسانی (شهر و دهستان) به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تخصیص منابع (بودجه تملک‌داری) و توسعه‌یافتگی به عنوان متغیر مستقل از روش رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی و برای ارزیابی توزیع سکونتگاه‌ها از روش توزیع جهت‌دار استفاده شده است. نتایج نشانگر این است که بیشتر سکونتگاه‌های انسانی در سال ۱۳۹۰ در موقعیت جغرافیایی شمال غربی کشور پراکنده شده‌اند که با طی روند زمانی و افزایش تعداد سکونتگاه‌های انسانی این روند تغییر یافته و پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی بیشتر به سمت مرکز کشور کشیده شده است. همچنین ارتباط متغیر سکونتگاه‌های انسانی (شهر و دهستان) و متغیرهای تخصیص منابع (بودجه تملک‌داری) و توسعه‌یافتگی نشانگر این است که میزان تأثیرگذاری توسعه‌یافتگی استان‌ها و سهم تخصیص منابع در ایجاد سکونتگاه‌های انسانی از مقدار ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به مقدار ۵۸ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است که دلیل اصلی این موضوع انباشت سرمایه و امکانات در مناطق با توسعه‌یافتگی بالا می‌باشد که دلیل ایجاد آن، بازتولید نابرابری منطقه‌ای در کشور می‌باشد.

**کلمات کلیدی:** نابرابری منطقه‌ای، سکونتگاه‌های انسانی، تخصیص منابع، ایران.

تاریخ ارسال: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۳

نویسنده مسئول: میرنجف موسوی، استاد، گروه جغرافیا، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. [m.mousavi@urmia.ac.ir](mailto:m.mousavi@urmia.ac.ir)

## مقدمه

رشد روزافزون جمعیت در فضاهای شهری مشکلات متعددی را برای برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران شهری به وجود آورده است (Hernandez and Monzon, 2016: 158- Mueller et al, 2018: 181). موسوی و همکاران، (۱۴۰۱: ۱۵۴) و این مشکلات عمدتاً از عدم تطابق نیازهای گسترده جمعیت شهری با توانایی حکومت‌های ملی و مدیریت شهری ناشی شده است (موسوی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶۴). به طوری که این موضوع به مرور زمان سبب به وجود آمدن نابرابری فضایی در سکونتگاه‌های انسانی شده است. نابرابری فضایی به عنوان یک مشکل برنامه‌ریزی، زمانی بروز می‌کند که ساختار فضایی نواحی مختلف دارای تفاوت‌های بارز و آشکاری باشند، تفاوت‌هایی که نیاز به تدوین راه‌حل‌های برنامه‌ریزی گوناگون در مورد نواحی مختلف داشته و جوابگویی هدف والای ایجاد برابری فضایی در یک منطقه باشند (مصیب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۳). همان‌گونه که توسعه‌یافتگی در کشورهای مختلف دارای جهات مختلف است، در داخل یک کشور نیز روند توسعه‌یافتگی بین استان‌ها و شهرستان‌ها نیز یکسان نیست به طوری که توسعه‌یافتگی یک کشور با توجه به پراکنش مختلف منابع، اعتبارات و همچنین عوامل مختلفی نظیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی ممکن است دارای روندی مناسب نباشد (کریم‌زاده و کریم‌زاده، ۱۳۹۸: ۸۴).

توسعه سریع در کشورهای در حال توسعه و تمرکز روزافزون جمعیت و فعالیت در برخی از مناطق کشور توازن و تعادل را بر هم زده و باعث ایجاد دوگانگی در مناطق شده و این موضوع به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی کشورهای جهان سوم درآمده است به طوری که نابرابری‌های فضایی در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران به دلیل عوامل مختلف بیشتر نمایان می‌شود به طوری که بسیاری از اندیشمندان (موسوی و بایرام‌زاده، ۱۴۰۳- داداش‌پور و شجاعی، ۱۴۰۱- مصیب‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰- فطرس و فاطمی‌زرندان، ۱۳۹۹- داداش‌پور و الوندی‌پور، ۱۳۹۷- قادر حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷) مهم‌ترین ویژگی سازمان فضایی ایران را بی‌عدالتی فضایی که تجلی آن ساختار مرکز پیرامونی کشور در مقیاس‌های خرد محلی و کلان ملی می‌داند. یکی از دلایل نابرابری منطقه‌ای ایران در عدم تخصیص بهینه منابع مبتنی بر پتانسیل‌ها و توانمندی‌های سرزمینی است. این مسئله موجب گردیده تا توزیع منابع و اعتبارات مبتنی بر اقتصاد سیاسی و قدرت مناطق شکل بگیرد به طوری که مناطقی که به لحاظ سیاسی در وضعیت بهتری هستند امکانات و منابع بیشتری را جذب کرده‌اند و این موضوع باعث توسعه این استان‌ها شده است و بر نابرابری منطقه‌ای افزوده است؛ بنابراین برای کاهش نابرابری منطقه‌ای در ایران ملاحظات اقتصادی و سرزمینی باید مقدم بر ملاحظات سیاسی گردد و نقش بازیگران سیاسی در تقسیم و توزیع اعتبارات بین مناطق کم‌رنگ و توانمندی‌های سرزمینی و ظرفیت‌های بالقوه استان‌ها مورد توجه اساسی قرار گیرد و از طرفی به دلیل ایجاد توسعه‌یافتگی در بخش از استان‌های کشور و جاذب بودن این استان‌ها برای ساکنین، این موضوع باعث شکل‌گیری سکونتگاه‌های جدید در استان‌های توسعه‌یافته‌تر می‌گردد که در این راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع در ایجاد سکونت‌گاه‌های انسانی جدید در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ و در ایران می‌باشد تا ضمن بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع (بودجه تملک‌داری) استان‌های ۳۱ گانه کشور، ارتباط این دو متغیر در جهت ایجاد سکونت‌گاه‌های جدید در کشور بررسی گردد و از طرفی سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای، دولت‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط را قادر می‌سازد تا مناطق عقب‌مانده در نظر بگیرند و در جهت توسعه‌ی آن سیاست‌های توسعه‌ای را تدوین نمایند؛ در این راستا سؤال اصلی پژوهش تحت عنوان «بین دو متغیر توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع (بودجه تملک‌داری) و ایجاد سکونت‌گاه‌های جدید در کشور رابطه‌ای وجود دارد؟» و همچنین فرضیه پژوهش تحت عنوان «بین دو متغیر توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع (بودجه تملک‌داری) و ایجاد سکونت‌گاه‌های جدید در کشور رابطه‌ای معنادار وجود دارد» تدوین گردیده است.

## پیشینه و مبانی نظری

پروا<sup>۱</sup> (۱۹۵۵) و هریشمن و هانسن<sup>۲</sup> (۱۹۵۸) در تئوری قطب رشد ارتباط نابرابری و مراحل توسعه را به این صورت بیان کرده‌اند که در مراحل اولیه توسعه، رشد سریعی در قطب‌های رشد صورت گرفته و موجب واگرایی و فزاینده‌گی نابرابری‌ها بین مناطق شود. سپس در مراحل بعدی توسعه و پس از اینکه قطب‌های رشد به اندازه کافی متمرکز و قوی شدند، رشد آن‌ها به سایر مناطق به تدریج پخش و در نهایت موجب همگرایی و از بین بردن نابرابری‌ها می‌شود (دهقانی شبانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۷۹) از طرفی در سال ۱۹۶۵ جفری ویلیامسون فرضیه معروف خود را در مورد نابرابری منطقه‌ای بلندمدت فرموله کرد. به طوری که با در نظر گرفتن مجموعه‌ای بزرگ از داده‌های درآمد سرانه منطقه‌ای بین سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۶۰، او اوج نابرابری را در میانه این دوره از رشد اقتصادی یافت (Enflo et al, 2018: 51). در این راستا از اواخر دهه ۱۹۸۰ به دلیل نگرانی در مورد اثرات جهانی‌شدن و آزادسازی، بحث نابرابری منطقه‌ای مورد پژوهش‌های متنوعی قرار گرفت. نابرابری به دلیل تأثیرات منفی آن بر انسجام اجتماعی، توسعه پایدار و وحدت سیاسی موضوعی محوری است (Wei et al, 2020) به طوری که نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه نشود و این موضوع سبب ایجاد تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق گردد، همچنین موجب تضعیف انسجام ملی و جامعه شده و تخصیص بهینه نیروی انسانی عادی و متخصص را ناممکن می‌سازد که این موضوع زمینه‌ساز مهاجرت‌های بی‌رویه و عدم توزیع بهینه جمعیت در فضای جامعه را رقم خواهد زد (حافظ‌نیا و قادری حاجت، ۱۳۹۸: ۱۱۹) و از طرفی برابری، یک عامل اصلی است که بر توسعه اجتماعی-اقتصادی منطقه‌ای تأثیر می‌گذارد و سیاست‌ها را هدایت می‌کند (He et al, 2019: 835).

برخی معتقدند ویژگی‌های طبیعی مناطق و همچنین صرفه‌های ناشی از مقیاس عامل افزایش نابرابری منطقه‌ای است و عده‌ای دیگر بر روند کاهش نابرابری در طی زمان تأکید می‌کنند از این رو برخی به عدم دخالت دولت و کاهش نابرابری در طی زمان اعتقاد دارند و برخی دیگر مداخله دولت را امری ضروری برای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای می‌پندارند (زبردست و حق روستا، ۱۳۹۶: ۱۵۴) به طور کلی عدم بهره‌برداری صحیح از ظرفیت‌های موجود در استان‌های کشور از یک سو و توزیع ناعادلانه امکانات از سوی دیگر، باعث ایجاد شکاف‌های درآمدی بین استان‌های کشور گردیده است و سبب ایجاد قطب‌های رشد گردیده است (امانپور و محمدی، ۱۴۰۰: ۱۰۶). از این رو شناخت نابرابری‌ها و بی‌تعادلی‌ها در چارچوب محدوده جغرافیایی و در نتیجه آن پی بردن به تفاوت‌های ناشی از این نابرابری‌ها و در مقابل آن کاهش این نابرابری‌ها از طریق بهره‌مندی از منابع و امکانات از اهداف ضروری توسعه پایدار می‌باشد (سرور و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰). در ادامه به بررسی رویکردهای دخیل در نابرابری منطقه‌ای در جدول شماره ۱ پرداخته شده است:

جدول (۱): رویکردهای نابرابری منطقه‌ای

منبع	توضیحات	رویکرد
(داداش پور و احمدی، ۱۳۸۹)	بر طبق نظریه کلاسیک، هر منطقه‌ای برای ورود به بازار و تولید کالا در برتری‌های تکنولوژیکی، مزیت نسبی دارد و تخصیص می‌شود.	کلاسیک
(موسوی و مدیری، ۱۳۹۴)	رویکرد نئو کلاسیک به دنبال بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای و چگونگی برطرف کردن آن، شاخص میزان درآمد مناطق را دخیل می‌داند و به جای توزیع متعادل درآمد و رفع نابرابری‌های شدید جامعه ترجیح می‌دهد و نابرابری‌های درآمدی را لازمه رشد اقتصادی کشورها فرض می‌کند.	نئو کلاسیک
(Martin, 2004)	نظریه رشد درون‌زا از اصول پایه تئوری نئو کلاسیک پیروی می‌کند و به دنبال کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای است. تئوری رشد درون‌زا، برای نیروی کار ماهر محلی و سرمایه انسانی اهمیت زیادی قائل می‌شود؛ زیرا کارگران ماهر تمایل به نوآوری و سازندگی دارند و برای مناطق و شرکت‌ها تحصیل کل جمعیت و آموزش مهارت به افراد مسئله‌ای حیاتی برای رشد اقتصادی آن‌هاست.	رشد درون‌زا

1. Perroux

2. Hansen and Hirschman

تمرکزگرایی یکی از عواملی است که بیشتر محققان (داداش‌پور و شجاعی، ۱۴۰۱- قادری حاجت و مختاری هشی، ۱۳۹۷- قادری حاجت و حافظ‌نیا، ۱۳۹۷- ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱) آن را باعث شکل‌گیری قطب‌های توسعه در مرکز و ایجاد حفره‌ها در فضاهای پیرامونی دانسته‌اند. از نظر سیاسی تمرکز را می‌توان به جریانی که در آن به تدریج کنترل در دست مراکز یا افراد معدودی که به عنوان ساختار مرکزی قدرت محسوب می‌شوند، نسبت داد به طوری که این قدرت از مرکز به سمت نقاط پیرامونی اشاعه می‌یابد و می‌تواند شامل زمینه‌های اقتصادی، مالی، کالبدی و اداری باشد (قادری حاجت و مختاری هشی، ۱۳۹۷: ۳۳). به‌طور کلی نظریات رشد و توسعه به منظور شناسایی اهمیت بخش‌های اقتصادی و نحوه تخصیص منابع در سه گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: نظریه رشد متوازن، نظریه رشد نامتوازن و نظریه قطب‌رشد (برادران و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۸). از میان تمام مفاهیمی که برای توسعه فضایی مطرح است، قطب‌رشد، گیرایی و استفاده بیشتری در ادبیات توسعه داشته، ضمن اینکه مفاهیم متعدد و غیرهمسانی برای این واژه به کار گرفته شده است. تکوین این نظریه را می‌بایست در درک اهمیت فضای در توسعه منطقه‌ای پیگیری کرد به طوری که این نظریه یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رشد اقتصادی می‌باشد (امینی و رفیعی، ۱۳۹۸: ۹۷) دیدگاه فرانسوا پرو از معدود تئوری‌های دهه ۱۹۶۰ بود که با استقبال وسیعی از طرف کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه مواجه شد. این نظریه در برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه (۱۳۵۱-۱۳۴۷) وارد برنامه‌های عمرانی ایران گردید و در برنامه پنج‌ساله پنجم (۱۳۵۲-۱۳۵۶) نیز به طور جدی دنبال شد و در این دوره علاوه بر تهران قطب‌های مهم صنعتی در اصفهان، اراک، اهواز و تبریز ایجاد و صنایع بزرگ و عمده کشور در این قطب‌ها متمرکز گردید (تیموری، ۱۳۹۸: ۸۴) که در ادامه این قطب‌های رشد زمینه‌ساز ترویج نابرابری منطقه‌ای در کشور گردید.

بر اساس نظریات ساچس<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و سوپارمن و مزاکر<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) نابرابری منطقه‌ای یک پیامد طبیعی است که از تغییرات شرایط فیزیکی و جغرافیایی بین مناطق یا کشورها ناشی می‌شود که برخی از کشورها شاهد کاهش نابرابری منطقه‌ای بوده‌اند، درحالی که برخی دیگر همچنان با نابرابری‌های مداوم یا حتی فزاینده مواجه هستند به طوری که تغییرات سریع آن در جهان، بحث در مورد نابرابری را تشدید کرده است که بر اساس نظر محققان کاهش نابرابری یک فرآیند بلندمدت است و با تحلیل روندهای کوتاه‌مدت می‌توان به چشم‌انداز واقعی کاهش آن دست یافت.

در رابطه با موضوع بررسی نابرابری منطقه‌ای در خارج از کشور پژوهش‌های متعددی انجام شده است به طوری که ژانگ و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۴) در پژوهش خود اشاره می‌کنند که در منطقه خلیج بزرگ گوانگدونگ- هنگ‌کنگ- ماکائو مدیریت شهری- منطقه‌ای به‌طور قابل قبولی نابرابری منطقه‌ای را کاهش می‌دهد و این موضوع سبب ادغام سرزمینی می‌شود، اما کفایت آن در محدوده‌های مختلف موضوعی مشارکت تغییر می‌کند. رینل و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) در پژوهش خود به بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای و همبستگی فراملی در اتحادیه اروپا پرداخته‌اند که نتایج این بررسی نشانگر این است که شهروندان مناطق ثروتمندتر در واقع بیشتر از سیاست اجتماعی در سطح اتحادیه اروپا حمایت می‌کنند، اما تنها زمانی که پیامدهای بازتوزیعی محدودی داشته باشد و در عوض بر استانداردها تأثیر بگذارد. برعکس، شهروندان مناطق فقیرتر مایل‌اند از مخالفت خود با سیاست اجتماعی اتحادیه اروپا برای برنامه‌های توزیع مجدد چشم‌پوشی کنند. چینار<sup>۵</sup> (۲۰۲۳) در پژوهش خود اشاره می‌کند که در ترکیه یک رابطه منفی بین تله پیشرفت سرزمینی و پیچیدگی مالی نشان می‌دهد و توصیه می‌کند که مناطقی با ساختارهای سودمند پیچیده‌تر ممکن است کمتر به دام بیفتند. جیانگ و شی<sup>۶</sup> (۲۰۲۳) اشاره می‌کنند که در چین عدم تعادل فضایی حفظ‌پذیری پیشرفت که اساساً از نیمه شمالی چین پدیدار می‌شود، همچنان

1. Sachs  
2. Suparman & Muzakir  
3. Zhang et al  
4. Reinl et al  
5. Çınar  
1. Jiang & Shi

افزایش می‌یابد و قابلیت پشتیبانی مو<sup>۱</sup> در نیمه شمالی و قابلیت پشتیبانی بلند در نیمه جنوبی جمع شده است. رانا و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۰) ذکر می‌کنند که در چارچوب لاهور، بهبود در منطقه شهری بر توسعه اجتماعی-اقتصادی آن تأثیر می‌گذارد و مناطق فرعی کلان‌شهر لاهور در هر بخش بسیار ایجاد شده‌اند.

همچنین در رابطه با موضوع بررسی نابرابری منطقه‌ای در داخل ایران نیز پژوهش‌های متعددی انجام شده است به طوری که عباسی تقی دیزج و پاشازاده (۱۴۰۰) در پژوهش خود اشاره کرده‌اند که عوامل ضعف برنامه‌ریزی درست، تصمیم‌های مدیران و برنامه‌ریزان و ضعف دسترسی به امکانات و تجهیزات به‌عنوان عوامل نهایی نابرابری منطقه‌ای در ایران شناخته شدند و دسته‌بندی عوامل نیز نشان داد که عوامل محدودیت نیروی انسانی، کمبود منابع مالی و سرمایه‌گذاری و کم‌توجهی به پژوهش کلیدی‌ترین عوامل نابرابری منطقه‌ای هستند و تأثیر بسیار زیادی بر نابرابری دارند. مصیب‌زاده و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود اشاره کرده‌اند که سازمان فضایی ایران چند سطحی شده است و استان‌هایی که قطب‌های توسعه هستند از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی از مناطق پایین دست خود بریده‌اند و با تمرکز بخشی در زمینه جذب سرمایه، جمعیت و صنعت زمینه‌های عدم تعادل فضایی درون و برون منطقه‌ای را سبب شده‌اند و این موضوع سبب ایجاد نابرابری منطقه‌ای در ایران شده است. احمدی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود اشاره کرده‌اند که با توجه به نتایج پویایی توزیع، استان‌های کشور در سال ۱۳۸۵ از الگوی چگالی تک قله‌ای و در سال ۱۳۹۵ از الگوی چگالی دو قله‌ای در سطوح شاخص نابرابری پایین و میانه پیروی می‌کنند و نیز در شاخص توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ واگرایی می‌باشد. بدین معنا که طی این سال‌ها، استان‌های کشور از توسعه‌یافتگی پایین به دو گروه کلی توسعه‌یافتگی میانه و توسعه‌یافتگی پایین و تقریباً نزدیک به یکدیگر تقسیم‌بندی شده‌اند. رحمانی فضلی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود اشاره کرده‌اند که روند انحراف معیار مقطعی درآمد سرانه واقعی استان‌های ایران با وجود نوسان در طول دوره تحقیق افزایشی است که بیانگر وقوع واگرایی سیگما است و کل بودجه تخصیصی، موجب واگرایی و افزایش شکاف درآمدی میان استان‌ها می‌شوند. کریمی موعاری و براتی (۱۳۹۶) نتایج بیانگر این نکته است که وضعیت مناسب شاخص‌های اقتصادی و سرمایه انسانی در استان‌های با سطح توسعه بالاتر، عامل اصلی نابرابری در توسعه منطقه‌ای می‌باشد. همچنین، تراکم جمعیتی بالا، امکان ارائه خدمات زیربنایی، بهداشتی و آموزشی را در استان‌های با توسعه بالاتر موجب شده است. ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود اشاره کرده‌اند که تنها میان توسعه مناطق مرزی و مرکزی تفاوت و نابرابری وجود دارد، بلکه میان درون مناطق چه در مناطق مرزی و چه در مناطق مرکزی نیز تفاوت‌های فاحش و چشمگیری وجود دارد. در واقع توسعه‌یافتگی مناطق مرکزی و توسعه‌یافتگی مناطق مرزی بیانگر الگوی توسعه منطقه‌ای مرکز-پیرامون در ساختار فضایی کشور است. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان اشاره کرد که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در راستای ارزیابی وضعیت نابرابری منطقه‌ای بوده‌اند و نتایج این پژوهش‌ها نشانگر وجود نابرابری منطقه‌ای در ایران می‌باشد به طوری که دلیل اصلی این موضوع وجود واگرایی شدید میان استان‌های می‌باشد و این موضوع سبب انباشت سرمایه انسانی و مالی در مناطق توسعه‌یافته‌تر شده است و از طرفی به دلیل وجود جاذبه‌های سرمایه‌گذاری در مناطق مرکزی کشور، سرمایه‌گذاران تمایل بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری در این مناطق دارند که در این موضوع به‌مرور سبب ایجاد تفاوت در میزان توسعه‌یافتگی استان‌های مرکزی و پیرامونی شده است که نشانگر تبعیت نظام الگوی توسعه‌ای کشور از الگوی مرکز-پیرامون می‌باشد. از طرفی وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های پیشین در ارزیابی تأثیرگذاری متغیر توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع در ایجاد سکونت‌گاه‌های جدید می‌باشد به طوری که با ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع (سهم بودجه تملک دارایی) طی دو سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ تأثیر این دو گویه در ایجاد سکونتگاه‌های جدید انسانی بررسی شده است که نتایج آن می‌تواند در جهت ایجاد چشم‌انداز تدوین گزارش‌های آمایش سرزمین مورد استفاده قرار گیرد.

2. The moo supportability

3. Rana et al

## روش تحقیق

روش پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد که داده‌های آن به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است به طوری که داده‌های اولیه پژوهش از سامانه‌ی مرکز آمار ایران و به سال‌های ۱۳۹۰، ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ استخراج گردیده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش بر اساس آخرین تقسیمات سیاسی کشور (۱۴۰۱) استان‌های ۳۱ گانه کشور ایران می‌باشد. در این پژوهش برای ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور بر اساس ۳ بعد اصلی اقتصادی-زیربنایی، آموزشی-فرهنگی و بهداشتی-درمانی که شامل ۴۷ شاخص می‌باشد، استفاده شده است که این شاخص‌ها از گزارش جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲) استخراج و در جدول شماره ۲ نشان داده شده است:

جدول (۲): ابعاد و شاخص‌های پژوهش

شاخص‌ها	بعد
نسبت تعداد بیمه‌شدگان اصلی تحت پوشش تأمین اجتماعی به کل جمعیت، نسبت تعداد بیمه‌شدگان اصلی تحت پوشش بیمه سلامت به کل جمعیت، نسبت تعداد پزشکان و دکتران تخصصی به جمعیت (تعداد به ده هزار نفر)، نسبت تعداد پیراپزشکان به جمعیت (تعداد به ده هزار نفر)، نسبت تعداد بیمارستان فعال به جمعیت به تعداد صد هزار نفر، نسبت تعداد تخت‌های فعال بخش‌های بیمارستانی به جمعیت (تعداد به ده هزار نفر)، نسبت تعداد مراکز ارائه دهنده مراقبت‌های اولیه بهداشتی به جمعیت (تعداد به صد هزار نفر)، نسبت تعداد آزمایشگاه‌های تشخیص پزشکی و ژنتیکی به جمعیت (تعداد به صد هزار نفر)، نسبت تعداد داروخانه به جمعیت (تعداد به ده هزار نفر)، امید به زندگی.	بهداشتی - درمانی
سهم استان در محصول ناخالص داخلی به قیمت جاری، نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ مشارکت زنان، تعداد شرکت‌های تعاونی مسکن به کل جمعیت (به ده هزار نفر)، تعداد شرکت‌های تعاونی کشاورزی (تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) به کل جمعیت (به ده هزار نفر)، تعداد شرکت‌های تعاونی کشاورزی (تحت پوشش سازمان مرکز تعاون روستایی) به کل جمعیت (به ده هزار نفر)، توزیع تعداد معادن از معادن کشور، تعداد شرکت‌های تعاونی معدنی به کل جمعیت (به ده هزار نفر)، سرانه ارزش افزوده معادن، توزیع نسبی جمعیت استان به کل کشور، توزیع نسبی جمعیت شهری استان به کل کشور، توزیع نسبی جمعیت روستایی استان به کل کشور، نسبت تعداد شرکت‌های تعاونی اعتباری به کل جمعیت به ده هزار نفر، تعداد نقاط روستایی دارای ارتباط تلفنی، ضریب نفوذ اینترنت، تراکم راه‌های بین شهری به مساحت استان (کیلومتر به صد کیلومتر مربع)، میزان راه‌های آسفالت روستایی، نسبت تعداد شرکت‌های تعاونی فعال حمل و نقل تحت پوشش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به کل جمعیت (تعداد به صد هزار نفر)، تعداد مشترکین برق استان، تعداد روستاهای دارای برق، تعداد انشعاب آب شهری، تعداد جوازهای صنعتی صادر شده توسط صمت، نسبت تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر به کل جمعیت (تعداد به ده هزار نفر)، تعداد روستاهای گازرسانی شده، تعداد شهرهای گازرسانی شده، نسبت تعداد شرکت‌های تعاونی روستایی به کل جمعیت روستایی (تعداد به ده هزار نفر)، نسبت تعداد شرکت‌های تعاونی زنان روستایی به جمعیت روستایی (تعداد به ده هزار نفر).	اقتصادی-زیربنایی
نسبت دانش آموز به معلم، نرخ باسوادی شهری، نرخ باسوادی روستایی، نرخ باسوادی، نرخ باسوادی مردان، نرخ باسوادی زنان، نسبت تعداد سینما به جمعیت (تعداد به ازای یک میلیون نفر)، توزیع کتابخانه‌های عمومی در سطح استان (تعداد در هزار کیلومتر مربع)، تعداد اماکن ورزشی، تعداد اقامتگاه.	آموزشی-فرهنگی

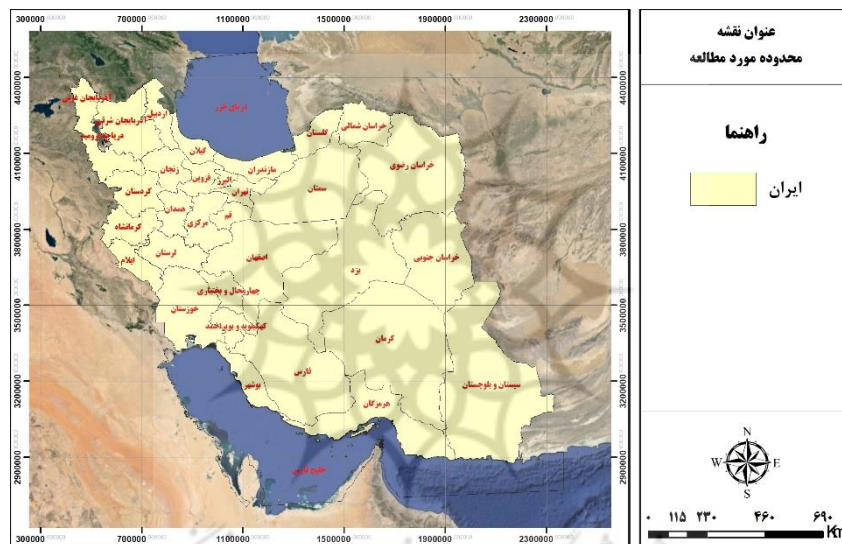
(مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲)

در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت کمی صورت گرفته است به طوری که برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از نرم‌افزارهای EXCEL و GIS استفاده شده است. برای تحلیل داده‌های گردآوری شده از روش‌های متعددی استفاده شده است به طوری که برای وزن دهی به شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون، برای ارزیابی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور از روش تصمیم‌گیری چند شاخصه ویکور<sup>۱</sup>، برای ارتباط‌یابی میان متغیر سکونتگاه‌های انسانی (شهر و دهستان) به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تخصیص منابع (بودجه تملک‌داری) و توسعه‌یافتگی به عنوان متغیر مستقل از روش رگرسیون وزن‌دار

جغرافیایی<sup>۱</sup> و برای ارزیابی توزیع سکونتگاه‌ها از روش توزیع جهت‌دار<sup>۲</sup> استفاده شده است. در نهایت بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهایی ارائه شده است.

### محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش استان‌های ۳۱ گانه کشور ایران و بر اساس آخرین سالنامه آماری سال ۱۴۰۱ مرکز آمار ایران می‌باشد. مطابق با این سالنامه آماری این ۳۱ استان شامل استان‌های: یزد، همدان، هرمزگان، مرکزی، مازندران، لرستان، گیلان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، کرمان، کردستان، قم، قزوین، فارس، سیستان و بلوچستان، سمنان، زنجان، خوزستان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، تهران، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، ایلام، البرز، اردبیل، اصفهان، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی می‌باشد که در یک جمع‌بندی کلی دارای ۴۷۸ شهرستان، ۱۱۷۲ بخش، ۱۴۳۳ شهر و ۲۷۴۵ دهستان که شامل برآورد جمعیتی ۸۴۷۰۰ هزار نفری می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه در شکل شماره ۱ نشان داده شده است:



شکل (۱): محدوده مورد مطالعه

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

مطابق آمار ارائه شده در سالنامه آماری مرکز آمار ایران (۱۴۰۱) تعداد شهر و دهستان استان‌های کشور در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

مطابق جدول شماره ۳، بیشترین تعداد شهر مربوط به استان اصفهان و کمترین تعداد شهر مربوط به استان قم می‌باشد؛ همچنین بیشترین تعداد دهستان مربوط به استان فارس و کمترین تعداد آن مربوط به استان قم می‌باشد.

2. GWR

3. Directional Distribution



جدول (۳): اطلاعات آماری تعداد شهر و دهستان واقع در استان‌های ۳۱ گانه کشور

استان	شهر	دهستان	استان	شهر	دهستان	استان	شهر	دهستان
آذربایجان شرقی	۷۰	۱۴۶	خراسان رضوی	۹۶	۱۸۰	کرمانشاه	۳۵	۸۷
آذربایجان غربی	۴۸	۱۲۰	خراسان شمالی	۲۵	۴۷	کرمان	۸۴	۱۵۸
اردبیل	۳۲	۷۵	خوزستان	۹۰	۱۴۷	کهگیلویه و بویراحمد	۲۰	۵۰
اصفهان	۱۱۴	۱۱۳	زنجان	۲۱	۵۰	گلستان	۳۵	۶۰
البرز	۱۸	۳۱	سمنان	۲۱	۳۳	گیلان	۵۶	۱۱۳
بوشهر	۴۰	۵۲	سیستان و بلوچستان	۵۵	۱۴۵	لرستان	۳۳	۹۰
ایلام	۲۷	۵۵	فارس	۱۲۱	۲۲۲	مازندران	۶۳	۱۳۳
تهران	۴۹	۷۳	قزوین	۲۸	۴۶	هرمزگان	۵۰	۸۸
چهارمحال و بختیاری	۴۳	۵۳	قم	۶	۱۳	مرکزی	۳۴	۶۷
خراسان جنوبی	۳۱	۶۶	کردستان	۳۳	۸۶	کل کشور	۱۴۳۳	۲۷۴۵
یزد	۲۳	۵۱	همدان	۳۲	۷۵			

(منبع: سالنامه آماری کشور، ۱۴۰۱)

### یافته‌ها

در ابتدا به وزن‌دهی شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی شانون پرداخته شده است. در این روش بر اساس آمار وضع موجود شاخص‌ها (داده‌های گردآوری شده از سالنامه‌های آماری مرکز آمار ایران)، وزن شاخص‌ها اختصاص می‌یابد که نتایج این ارزیابی در جدول شماره ۴ نشان داده شده است:

جدول (۴): وزن دهی شاخص‌های

شاخص	وزن	شاخص	وزن	شاخص	وزن	شاخص	وزن
C1	۰.۰۵۹۲۲	C13	۰.۰۳۱۹۳	C25	۰.۰۲۲۲۳	C37	۰.۰۴۳۱۰
C2	۰.۰۰۰۴۰	C14	۰.۰۲۲۷۲	C26	۰.۰۰۹۵۶	C38	۰.۰۰۳۷۱
C3	۰.۰۰۳۵۰	C15	۰.۰۰۶۱۲	C27	۰.۰۳۶۴۱	C39	۰.۰۰۴۷۸
C4	۰.۰۱۱۰۴	C16	۰.۰۰۸۸۸	C28	۰.۰۰۲۱۰	C40	۰.۰۰۶۳۲
C5	۰.۰۲۶۱۰	C17	۰.۰۱۵۵۹	C29	۰.۰۰۰۰۴	C41	۰.۰۰۶۰۷
C6	۰.۰۳۰۲۵	C18	۰.۰۳۲۸۷	C30	۰.۰۰۰۱۵	C42	۰.۰۰۳۰۵
C7	۰.۰۱۹۶۸	C19	۰.۰۳۹۰۷	C31	۰.۰۰۰۰۹	C43	۰.۰۱۳۰۸
C8	۰.۰۳۸۹۴	C20	۰.۰۲۵۴۹	C32	۰.۰۰۰۰۴	C44	۰.۰۰۷۱۳
C9	۰.۱۷۱۷۷	C21	۰.۰۲۷۴۶	C33	۰.۰۰۰۱۷	C45	۰.۰۰۹۸۴
C10	۰.۰۳۴۶۰	C22	۰.۰۲۲۵۶	C34	۰.۰۱۲۵۸	C46	۰.۰۰۵۸۰
C11	۰.۰۴۴۵۶	C23	۰.۰۲۸۱۳	C35	۰.۰۴۱۶۷	C47	۰.۰۰۰۰۳
C12	۰.۰۲۵۵۰	C24	۰.۰۲۶۱۵	C36	۰.۰۱۹۵۳		

(یافته‌های نویسندگان، ۱۴۰۳)

مطابق با جدول شماره ۴، بیشترین امتیاز مربوط به شاخص سرانه ارزش افزوده معادن و کمترین امتیاز مربوط به شاخص امید به زندگی می‌باشد. در ادامه در جهت بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور از مدل تصمیم‌گیری چند شاخصه ویکور استفاده شده است که وزن شاخص‌های این بخش از جدول شماره ۱ استفاده شده است. در این بخش داده‌های گردآوری شده برای شاخص‌های پژوهش و به تفکیک استان‌های کشور و در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ ارزیابی و در جدول شماره ۵ نشان داده شده است:

جدول (۵): رتبه‌بندی و میزان Q استان‌های کشور بر اساس شاخص‌های پژوهش

۱۴۰۰		۱۳۹۰		استان
رتبه	میزان Q	رتبه	میزان Q	
۵	۰/۵۸۷	۵	۰/۷۶۵	آذربایجان شرقی
۱۶	۰/۸۴۰	۱۶	۰/۸۸۶	آذربایجان غربی
۲۲	۰/۹۲۴	۲۷	۰/۹۶۰	اردبیل
۷	۰/۷۱۸	۶	۰/۷۶۵	اصفهان
۳۰	۰/۹۷۹	۱۰	۰/۸۴۲	البرز
۲۴	۰/۹۳۰	۲۹	۰/۹۸۴	ایلام
۲۰	۰/۸۹۸	۱۷	۰/۹۱۶	بوشهر
۱	۰/۱۰۰۰	۱	۰/۱۰۰۰	تهران
۱۹	۰/۸۸۷	۲۴	۰/۹۵۰	چهارمحال و بختیاری
۱۱	۰/۷۵۹	۲۶	۰/۹۵۲	خراسان جنوبی
۳	۰/۵۴۱	۴	۰/۷۴۹	خراسان رضوی
۳۱	۰/۹۹۰	۳۰	۰/۹۹۰	خراسان شمالی
۱۰	۰/۷۵۵	۹	۰/۸۱۳	خوزستان
۱۲	۰/۷۹۰	۱۸	۰/۹۲۴	زنجان
۸	۰/۷۴۳	۱۱	۰/۸۴۳	سمنان
۲۹	۰/۹۷۷	۲۸	۰/۹۶۳	سیستان و بلوچستان
۶	۰/۶۸۳	۸	۰/۷۸۸	فارس
۲۵	۰/۹۳۵	۲۵	۰/۹۵۱	قزوین
۲۸	۰/۹۷۵	۳۱	۰/۹۹۸	قم
۱۸	۰/۸۷۰	۲۲	۰/۹۳۳	کردستان
۴	۰/۵۶۸	۲	۰/۶۳۷	کرمان
۱۵	۰/۸۲۶	۲۱	۰/۹۳۰	کرمانشاه
۲۶	۰/۹۴۳	۲۳	۰/۹۳۷	کهگیلویه و بویراحمد
۲۷	۰/۹۴۵	۱۵	۰/۸۸۴	گلستان
۱۴	۰/۸۲۲	۱۳	۰/۸۵۲	گیلان
۱۷	۰/۸۵۱	۱۴	۰/۸۷۳	لرستان
۹	۰/۷۵۱	۷	۰/۷۷۱	مازندران
۱۳	۰/۸۰۵	۱۲	۰/۸۴۷	مرکزی
۲۱	۰/۹۱۹	۲۰	۰/۹۳۰	هرمزگان
۲۳	۰/۹۲۵	۱۹	۰/۹۲۷	همدان
۲	۰/۱۱۹	۳	۰/۷۴۲	یزد

(یافته‌های نویسنده‌گان، ۱۴۰۳)

مطابق جدول شماره ۵، وضعیت توسعه‌یافتگی در میان استان‌های کشور در سال ۱۳۹۰ نشانگر این است که استان تهران با فاصله بسیار زیادی از سایر استان‌ها در رتبه اول و استان قم در رتبه آخر قرار گرفته است. همچنین وضعیت توسعه‌یافتگی این استان‌ها در سال ۱۴۰۰، نشانگر این است که همچنان استان تهران در رتبه اول توسعه‌یافتگی قرار دارد ولیکن فاصله توسعه‌یافتگی این استان با سایر استان‌ها کاهش یافته است که این موضوع نشانگر کاهش نابرابری منطقه‌ای در کشور می‌باشد.

پس از بررسی وضعیت توسعه‌یافتگی استان‌های کشور، به بررسی و ارزیابی سهم تخصیص منابع (بودجه تملک دارایی) در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ پرداخته شده است. همچنین میزان نابرابری میان استان‌ها از طریق ضریب تغییرات<sup>۱</sup> بررسی گردیده است که نتایج این بررسی در جدول شماره ۶ نشان داده شده است:

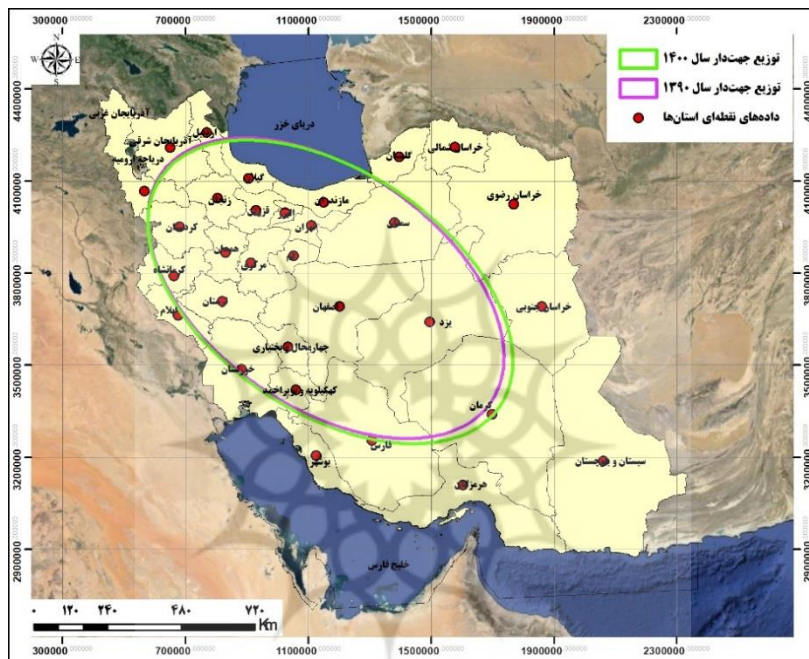
جدول (۶): سهم بودجه تملک دارایی در میان استان‌های کشور

سهم بودجه تملک دارایی		استان
۱۴۰۰	۱۳۹۰	
۳,۷۵۳	۲,۸۴۴	آذربایجان شرقی
۴,۹۸۶	۳,۱۹۳	آذربایجان غربی
۲,۶۱۵	۱,۳۲۷	اردبیل
۲,۸۲۹	۳,۶۶۸	اصفهان
۱,۴۷۵	۱,۵۴۲	البرز
۲,۰۸۶	۱,۵۰۰	ایلام
۳,۰۰۰	۳,۷۸۳	بوشهر
۲,۸۷۵	۸,۵۷۶	تهران
۱,۴۵۰	۱,۳۶۴	چهارمحال و بختیاری
۱,۹۷۱	۱,۹۴۷	خراسان جنوبی
۴,۶۰۵	۵,۹۱۲	خراسان رضوی
۲,۱۲۶	۱,۵۷۷	خراسان شمالی
۸,۳۷۵	۹,۳۲۷	خوزستان
۱,۶۶۴	۱,۰۸۸	زنجان
۱,۰۶۰	۱,۲۷۹	سمنان
۸,۸۵۴	۵,۲۷۴	سیستان و بلوچستان
۵,۴۰۲	۵,۱۹۳	فارس
۱,۷۳۱	۱,۳۵۷	قزوین
۱,۴۸۲	۲,۸۵۷	قم
۳,۱۴۲	۴,۱۳۷	کردستان
۵,۸۵۲	۴,۶۹۱	کرمان
۳,۳۲۲	۴,۳۱۲	کرمانشاه
۲,۰۷۳	۱,۹۸۲	کهگیلویه و بویراحمد
۲,۸۶۷	۱,۹۵۳	گلستان
۴,۰۲۵	۲,۳۷۵	گیلان
۳,۵۴۸	۲,۴۷۹	لرستان
۳,۳۹۳	۴,۵۷۰	مازندران
۱,۶۲۶	۱,۵۳۸	مرکزی
۳,۹۰۳	۳,۱۸۸	هرمزگان
۲,۲۶۳	۲,۵۰۵	همدان
۱,۶۴۴	۱,۸۶۱	یزد
۰,۵۸۶	۰,۶۳۰	ضریب تغییرات (CV)

(یافته‌های نویسنده، ۱۴۰۳)

مطابق جدول شماره ۶، سهم بودجه تملک دارایی استان خوزستان در سال ۱۳۹۰ نسبت به سایر استان‌ها بیشتر بوده است که این موضوع در سال ۱۴۰۰ تغییر یافته و استان سیستان و بلوچستان بیشترین سهم بودجه تملک دارایی را کسب نموده است. همچنین روند ضریب تغییرات سهم بودجه تملک دارایی در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰ کاهشی بوده است که این موضوع نشانگر توزیع بهینه‌تر منابع در کشور می‌باشد.

در ادامه به بررسی و ارزیابی توزیع سکونتگاه‌های انسانی (شهرها و دهستان‌ها) و در طی دو سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ پرداخته شده است تا روند توزیع جهت‌دار این سکونتگاه‌ها بررسی گردد در این بخش به دلیل نبود داده‌های نقطه‌ای شهرها و دهستان به تفکیک سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰، توزیع جهت‌دار سکونتگاه‌ها بر اساس داده‌های نقطه‌ای استان‌ها و بر اساس تعداد کل سکونتگاه‌ها صورت گرفته است که نتایج این بررسی در شکل شماره ۲ نشان داده شده است:



شکل (۲): توزیع جهت‌دار سکونتگاه‌های انسانی در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

مطابق شکل شماره ۲، توزیع جهت‌دار سکونتگاه‌های انسانی در سال ۱۳۹۰ نشانگر این است که سکونتگاه‌های انسانی بیشتر در موقعیت جغرافیایی شمال غربی کشور پراکنده شده‌اند. همچنین در سال ۱۴۰۰ نیز این روند نشانگر تغییر پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی بیشتر به سمت مرکز کشور می‌باشد.

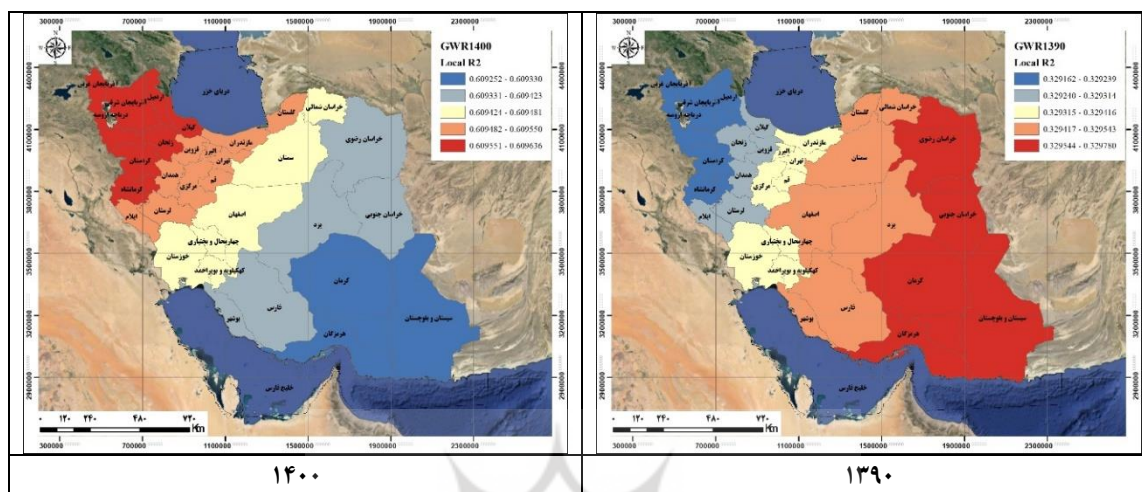
در ادامه به بررسی و ارتباطیابی میان متغیر سکونتگاه‌های انسانی (شهر و دهستان) به‌عنوان متغیر وابسته و متغیرهای تخصیص منابع (بودجه تملک دارایی) و توسعه‌یافتگی به‌عنوان متغیر مستقل از روش رگرسیون وزن‌دار جغرافیایی استفاده شده است که نتایج این بررسی در جدول شماره ۷ و شکل شماره ۳ پرداخته شده است:

جدول (۷): نتایج خروجی مدل GWR به تفکیک سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰

R <sup>2</sup> Adjusted	R <sup>2</sup>	AICc	Sigma	مجموع مربعات باقی مانده	طول باند	سال
۰/۲۸	۰/۳۳	۳۴۴/۶۳	۵۶/۶۳	۸۹۷۷۸/۷۷	۱۸۱۴۷۵۸۷/۰۲	۱۳۹۰
۰/۵۸	۰/۶۱	۳۳۵/۲۷	۴۸/۷۰	۶۶۳۹۳/۳۷	۱۸۱۴۷۵۸۷/۰۲	۱۴۰۰

(یافته‌های نویسندگان، ۱۴۰۳)

مطابق جدول شماره ۷، مقدار  $R^2$  و  $R^2$  تعدیل‌یافته از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ روندی افزایش داشته است به طوری که نتایج این جدول نشانگر این است که در سال ۱۳۹۰ وجود سکونتگاه‌های انسانی با ۲۸ درصد توسط توسعه‌یافتگی و سهم بودجه تملک‌داری استان‌ها توجیه شده است و از طرفی این مقدار در سال ۱۴۰۰ به مقدار ۵۸ درصد رسیده است که نشانگر این است که با گذشت زمان احداث سکونتگاه‌های جدید بر اساس میزان توسعه‌یافتگی و سهم بودجه تملک‌داری استان‌ها صورت گرفته است.



شکل (۳): نقشه خروجی مدل GWR به تفکیک سال ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۳)

مطابق شکل شماره ۳، میزان  $R^2$  محلی در سال ۱۳۹۰ نشانگر این است که میزان توجیه توسعه‌یافتگی و سهم بودجه تملک‌داری استان‌ها از شمال غربی کشور به سمت جنوب شرقی کشور روندی صعودی داشته است. همچنین این مقدار در سال ۱۴۰۰ نیز با تغییر روند و به صورت عکس سال ۱۳۹۰ عمل نموده و جنوب شرقی استان به سمت شمال غربی استان روندی صعودی داشته است. همچنین می‌توان اذعان نمود با گذشت زمان و ایجاد مشکلات اقتصادی در کشور روند احداث سکونتگاه‌های انسانی جدید بیشتر بر اساس توسعه‌یافتگی و سهم بودجه تملک‌داری استان‌ها صورت گرفته است.

## بحث

با توجه به زمینه تاریخی استان تهران به عنوان پایتخت ایران در طی ۲ قرن اخیر و پیرو اتفاقات تاریخی رخ داده در کشور نظیر جنگ جهانی اول و دوم، حمله متفقین در سال ۱۳۲۰ و پس از آن جنگ ۸ ساله ایران و عراق از ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ باعث شده است تا زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اداری و اقتصادی استان تهران تقویت گردد؛ به طوری که نظام برنامه‌ریزی متمرکز موجب شده توجه دولت‌ها به استان مرکزی تهران و پایتخت سیاسی کشور در طی دو قرن اخیر بیشتر گردد و زیرساخت‌های اساسی از قبیل فرودگاه‌های بین‌المللی، مترو، بزرگراه‌ها، صنایع سنگین و سبک، دانشگاه‌های مهم و بیمارستان‌ها و غیره در این استان متمرکز گردد که این موضوع سبب ایجاد زمینه‌ها و فرصت‌های شغلی بیشتری در این استان شده است که به تبع آن میزان مهاجرت از سایر استان‌ها به تهران افزایش یافته و سبب انباشت سرمایه و بازگشت آن با سودهای کلان در تهران گشته است. مطابق نتایج جدول شماره ۵، الگوی توسعه‌ای ایران به دلیل تبعیت از مدل مرکز-پیرامون همواره در حال بازتولید نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور می‌باشد به طوری که استان تهران به عنوان استان مرکزی همواره مورد توجه مدیران قرار گرفته است که به این دلیل پراکنش امکانات و تسهیلات در این استان نسبت به سایر استان‌ها به خصوص استان‌های پیرامونی و مرزی کشور بیشتر بوده است که باعث تبدیل شدن

این استان به قطب توسعه یافتگی در کشور شده است. البته این موضوع در طول تاریخ نیز به دلیل جنگ‌های اتفاق افتاده در کشور و ایجاد ناامنی در استان‌های مرزی و پیرامونی باعث مهاجرت افراد به سمت استان‌های مرکزی شده و این موضوع به دلیل انباشت نیروی انسانی و مالی سبب توسعه یافتگی این استان‌ها نسبت به استان‌های پیرامونی شده است که این موضوع نیز در طول زمان سبب بازتولید نابرابری‌ها منطقه‌ای در کشور گردیده است. البته امروز با اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای در کشور، میزان نابرابری‌های منطقه‌ای کاهش یافته و سایر استان‌های کشور به‌مرور زمان وضعیت بهتری را کسب نموده‌اند به طوری که مطابق نتایج این جدول در سال ۱۴۰۰ فاصله استان تهران با سایر استان‌ها کاهش یافته و از میزان قطب توسعه یافتگی این استان کاهش و به سایر استان‌های مرکزی افزوده شده است. البته حائز اهمیت است که دو استان مرزی آذربایجان شرقی و خراسان رضوی به دلیل پتانسیل‌های تاریخی و مذهبی همواره در زمره استان‌های مرزی با وضعیت توسعه یافتگی بالاتری نسبت به سایر استان‌های مرزی قرار داشته‌اند. این نتایج در پژوهش‌های متعدد نیز مورد تأیید واقع شده است که شامل پژوهش‌های عباسی تقی دیزج و پاشازاده (۱۴۰۰)، احمدی و همکاران (۱۳۹۹)، مصیب‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، رحمانی فضل‌ی و همکاران (۱۳۹۸)، کریمی موغاری و براتی (۱۳۹۶) و ابراهیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) می‌باشد.

استان‌های مرزی به دلیل مرزی بودن به لحاظ اقتصادی ضعیف و ریسک‌پذیر هستند که این بحران را می‌توان به‌خصوص در استان‌هایی چون آذربایجان غربی، خراسان جنوبی و شمالی، گلستان، اردبیل، ایلام و کرمانشاه مشاهده کرد. این شرایط منجر به عدم ایجاد زیرساخت‌های مهم در آن‌ها شده و این موضوع سبب عدم تمایل سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری در این مناطق شده است که نهایتاً منجر به کاهش سهم این استان‌ها در تولید ناخالص داخلی کشور گردیده است. از طرفی بودجه هر کشور مهم‌ترین ابزار دولت در اجرای سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن کشور است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۴) که مهم‌ترین هدف آن برقراری عدالت و بالا بردن شاخص توسعه انسانی است (غفاری‌فرد و شجاعی، ۱۳۹۸) در این راستا سیاست‌های دولت نشان از این دارد که رویکرد توزیع اعتبارات تملک‌داری‌های سرمایه‌ای استان‌ها سیاست محور نبوده و بلکه برنامه محور می‌باشد و در این رویکرد نیز ضابطه کارایی و نه برابری مورد عمل قرار گرفته است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۶). این موضوع سبب این گشته است که با افزایش در اعتبارات بودجه‌ای استان‌های بزرگ کشور، رشد اقتصادی در استان‌های هم‌جوار به دلیل افزایش در مهاجرت کاهش یابد (وفایی بکیانی و همکاران، ۱۳۹۸). البته مطابق جدول شماره ۶، میزان ضریب تغییرات در حوزه سهم بودجه تملک‌داری در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۴۰۰ کاهش یافته است که این موضوع نشانگر تخصیص بهینه‌تر منابع در میان استان‌های کشور در طی ۱۰ سال اخیر می‌باشد که این موضوع در جدول شماره ۵ نیز تأیید گردید به طوری که میزان نابرابری منطقه در کشور روندی کاهشی داشته است.

در نهایت بر اساس نوآوری این پژوهش نسبت به سایر پژوهش‌ها، نتایج بررسی توزیع جهت‌دار سکونتگاه‌های انسانی نشانگر این است که بیشتر این سکونتگاه‌ها در سال ۱۳۹۰ در موقعیت جغرافیایی شمال غربی کشور پراکنده شده‌اند که با طی روند زمانی و افزایش تعداد سکونتگاه‌های انسانی این روند تغییر یافته و پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی بیشتر به سمت مرکز کشور می‌باشد. همچنین ارتباط متغیر سکونتگاه‌های انسانی (شهر و دهستان) و متغیرهای تخصیص منابع (بودجه تملک‌داری) و توسعه یافتگی نشانگر این است که میزان تأثیرگذاری توسعه یافتگی استان‌ها و سهم تخصیص منابع در ایجاد سکونتگاه‌های انسانی از مقدار ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۰ به مقدار ۵۸ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است که دلیل اصلی این موضوع انباشت سرمایه و امکانات در مناطق با توسعه یافتگی بالا می‌باشد که دلیل ایجاد آن بازتولید نابرابری منطقه‌ای در کشور می‌باشد.

## نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و نابرابری‌های منطقه‌ای از عواملی هستند که بیشتر کشورهای در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند و به نحوی در حال رفع این معضل می‌باشد به طوری که نابرابری منطقه‌ای به دلیل ایجاد زمینه‌های محرومیتی در استان‌ها باعث کاهش سطح رفاه ساکنین خود می‌گردد که به مرور زمان باعث مهاجرت ساکنین به سایر استان‌ها با میزان توسعه‌یافتگی بیشتر می‌گردد، بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط ایجاد سکونتگاه‌های انسانی با متغیرهای توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع در استان‌های کشور و در طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ می‌باشد. نتایج این پژوهش نشانگر این است که در سال ۱۳۹۰ به دلیل تمرکز شدید فعالیت‌های اداری، سیاسی و اقتصادی در مرکز کشور و به خصوص استان تهران موجب شده است تا واگرایی شدیدی در حوزه توسعه‌یافتگی در بین استان تهران و سایر استان‌ها به وجود آید، این روند با تبعیت از نظریه قطب رشد وارد مرحله دوم شده و به مرور زمان میزان واگرایی میان استان‌ها کاهش یافته و بر میزان همگرایی میان آن‌ها افزوده شده است به طوری که پیرو اقدامات توسعه‌ای در استان‌ها، از میزان قطبیت استان تهران کاسته شده و به دو استان یزد و سمنان افزوده شده است این موضوع سبب شده است که روند توسعه‌ای کشور به سمت شمال شرقی کشور کشیده شده است. همچنین نتایج این پژوهش نشانگر این است که در استان‌هایی که میزان سطح توسعه‌یافتگی و سطح تخصیص منابع بیشتر باشد در حدود ۵۸ درصد ایجاد سکونتگاه‌های جدید را توجیه می‌کند. در راستای پاسخ به فرضیه و سؤال پژوهش، می‌توان بیان کرد که مطابق نتایج این پژوهش، در استان‌هایی که زمینه تخصیص منابع و توسعه‌یافتگی بیشتر باشد احتمال احداث سکونتگاه‌های انسانی (شهر و دهستان) نیز افزایش می‌یابد و نشانگر وجود ارتباط معنادار میان دو متغیر توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع (بودجه تملک دارایی) و ایجاد سکونت‌گاه‌های جدید در کشور می‌باشد.

از محدودیت‌های اصلی این پژوهش می‌توان به نبود داده‌های نقطه‌ای سکونتگاه‌های انسانی (شهر و دهستان) اشاره کرد به طوری که در صورت وجود این داده‌ها به تفکیک سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۴۰۰ می‌توان توزیع جهت‌دار سکونتگاه‌های انسانی را بررسی و ارتباط آن را با متغیرهای توسعه‌یافتگی و تخصیص منابع بهتر ارزیابی نمود که در این راستا پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی این موضوع در صورت دسترسی به این داده‌ها انجام و با نتایج این پژوهش بسط داده شود.

مطابق نتایج این پژوهش، پیشنهادهایی در جهت کاهش نابرابری منطقه‌ای ارائه شده است:

- تخصیص بودجه محرومیت‌زدایی ویژه استان‌های کم‌تر برخوردار کشور نظیر استان‌های خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان و البرز،
- استفاده از پتانسیل‌های استان‌های مرزی در جهت ایجاد ظرفیت‌های اقتصادی در این مناطق،
- تدوین برنامه‌های ملی در جهت کاهش واگرایی میان استان‌ها،
- شناسایی زمینه‌های محروم استان‌ها با استفاده از ظرفیت گزارش‌های مرکز آمار ایران به خصوص گزارش جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور،
- توزیع بهینه منابع بر اساس ویژگی‌های سیاسی و سرزمینی استان‌ها.

## تقدیر و تشکر

این مقاله از طرح دوره دستیار پژوهشی به قرارداد شماره ۱۰/۱۳۵۱ و تحت حمایت دانشگاه ارومیه استخراج شده است.

## منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی؛ موسوی، میرنجف؛ کاظمی‌زاد، شمس‌اله (۱۳۹۱). تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران. *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*. ۸ (۲۵)، ۲۳۵-۲۱۴. [https://journal.iag.ir/article\\_56080.html?lang=fa](https://journal.iag.ir/article_56080.html?lang=fa)
- احمدی، مرضیه؛ فلاحتی، علی؛ دل‌انگیزان، سهراب (۱۳۹۸). بررسی پویای انتقال نابرابری منطقه‌ای در ایران (مطالعه موردی: استانهای ایران). *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*. ۱۷ (۱)، ۱۱۹-۸۵. doi: 10.22055/jqe.2019.27789.1984
- امان‌پور، سعید؛ محمدی، چنور (۱۴۰۰). تحلیلی بر پراکنش فضایی توسعه و نابرابری‌های منطقه‌ای در استان ایلام. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. ۱۱ (۴۲)، ۱۱۷-۱۰۲. doi: 10.30495/jzpm.2021.4210
- امینی، آزاده؛ رفیعی، معصومه (۱۳۹۸). موانع شکل‌گیری پیوندهای روستایی-شهری در کلانشهر تهران مورد: بخش مرکزی شهرستان شهریار. *توسعه فضاهاى پیراشهری*. ۱ (۱)، ۹۵-۱۱۰. [https://www.jpUSD.ir/article\\_113868.html](https://www.jpUSD.ir/article_113868.html)
- برادران، زینب؛ آذری، زهرا؛ پناهی، حسین (۱۴۰۰). شناسایی و اولویت‌بندی هسته‌های کلیدی بخش زیربنایی استان آذربایجان شرقی: رویکرد تحلیل چندبخشی (MSA). *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*. ۲۸ (۲۱)، ۱۰۲-۷۵. doi: 10.22067/erd.2022.68749.1011
- تیموری، رحیم (۱۳۹۸). بررسی تاثیر قطب‌های رشد بر توسعه اقتصادی اجتماعی منطقه‌ای با رویکرد کاهش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی. *فصلنامه اقتصاد پنهان*. ۴ (۱۵)، ۱۰۱-۷۹. [https://hem.epe.ir/article\\_101843.html?lang=en](https://hem.epe.ir/article_101843.html?lang=en)
- جمشیدی، رضا و دیگران (۱۳۹۶). درجه تأثیرگذاری سهم بخش کشاورزی بر توزیع بودجه عمرانی استانی: کاربرد رگرسیون فضایی. *اقتصاد و توسعه کشاورزی*. ۳۱ (۲)، ۱۴۸-۱۳۶. doi: 10.22067/jead2.v31i2.59482
- حافظ‌نیا، محمد رضا؛ قادری حاجت، مصطفی (۱۳۹۸). بنیادهای بی‌عدالتی فضایی در ایران. *آمایش سیاسی فضا*. ۱ (۲)، ۱۲۷-۱۱۷. <http://psp.modares.ac.ir/article-42-29141-fa.html>
- داداش‌پور، هاشم؛ الوندی پور، نینا (۱۳۹۷). واکاوی رویکرد فضایی عدالت در پژوهش‌های نابرابری منطقه‌ای؛ مروری نظام‌مند در حوزه میان‌رشته‌ای. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*. ۱۰ (۳)، ۱۱۲-۷۹. doi: 10.22035/isih.2018.284
- داداش‌پور، هاشم؛ شجاعی، دلارام (۱۴۰۱). نابرابری فضایی و رابطه مرکز-پیرامون در ایران: ارائه یک مدل نظری با استفاده از روش نظریه پردازی لینهام. *مجله علمی آمایش سرزمین*. ۱۴ (۱)، ۵۹-۲۵. doi: 10.22059/jtcp.2022.334526.670279
- داداش‌پور، هاشم؛ احمدی، فرانک (۱۳۸۹). رقابت‌پذیری منطقه‌ای به مثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای. *فصلنامه راهبرد یاس*. ۲۲، ۵۱-۸۰. <https://www.sid.ir/paper/480024/fa>
- دهقان‌شبانی، زهرا؛ هادیان، ابراهیم؛ نگهداری، جمال (۱۳۹۸). تحلیل رابطه نابرابری منطقه‌ای و توسعه اقتصادی در ایران: رویکرد داده‌های تابلویی فضایی. *فصلنامه تحقیقات اقتصادی*. ۵۴ (۴)، ۸۹۰-۸۷۵. doi: 10.22059/jte.2019.74169
- رحمانی‌فضلی، هادی؛ نیکبخت، سعید؛ ملاحهرامی، احمد (۱۳۹۸). بررسی اثر بودجه بر نابرابری منطقه‌ای ایران با استفاده از مدل اقتصادسنجی فضایی تابلویی. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. ۲۷ (۸۹)، ۴۳۰-۳۹۹. <http://qjerp.ir/article-1-1835-fa.html>
- زبردست، اسفندیار؛ حق‌روستا، سمیه (۱۳۹۶). گونه‌شناسی رویکردهای نظری و تجربی نابرابری‌های منطقه‌ای. *نامه معماری و شهرسازی*. ۱۰ (۱۹)، ۱۶۹-۱۵۳. <https://www.sid.ir/paper/215865/fa>
- سرور، رحیم؛ عشقی چهاربرج، علی؛ علوی، سعیده (۱۳۹۵). اقتصاد فضا و نابرابری‌های منطقه‌ای؛ نمونه موردی: استان اردبیل. *فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*. ۶ (۲۴)، ۷۲-۵۹. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.24.5.9>
- عباسی تقی‌دیزج، رسول؛ پاشازاده، اصغر (۱۴۰۰). شناسایی عوامل مؤثر بر نابرابری منطقه‌ای در ایران. *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*. ۱۱ (۴۱)، ۵۰-۲۵. doi: 10.22111/gaij.2021.6573
- غفاری‌فرد، محمد؛ شجاعی، محمد رضا (۱۳۹۸). بررسی عملکرد توزیع بودجه بین استانهای مختلف ایران بر اساس ظرفیت و نیاز آنها طی سالهای اول و آخر دولت دهم و یازدهم. *فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی*. ۷ (۲۸)، ۱۴۳-۱۱۱. <http://qjefp.ir/article-1-1045-fa.html>



- فطرس، محمدحسن؛ فاطمی زردان، یعقوب (۱۳۹۹). مقایسه تطبیقی روند توسعه و میزان نابرابری استان‌های کشور طی سه مقطع ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵. رویکرد مرکز-پیرامون. فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران. ۹ (۳۵)، ۶۳-۸۹. doi: 10.22084/aes.2020.20138.2942
- قادری حاجت، مصطفی؛ حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۷). راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران. پژوهش‌های جغرافیای سیاسی. ۳ (۳)، ۵۷-۲۵. doi: 10.22067/pg.v4i9.75411
- قادری حاجت، مصطفی؛ مختاری هشی، حسین (۱۳۹۷). عدالت فضایی در ایران و سامان‌دهی سیاسی-فضایی شهر تهران. آمایش سیاسی فضا. ۱ (۱)، ۳۸-۳۱. http://dorl.net/dor/20.1001.1.26455145.2018.1.1.5.0
- قاسمی، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۴). نحوه توزیع بودجه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در بین استان‌های ایران (۱۳۷۹-۱۳۹۰). فصلنامه برنامه ریزی و بودجه. ۲۰ (۱)، ۶۶-۳۷. http://jpbud.ir/article-1-1078-fa.html
- کریم زاده، مجید؛ کریم زاده، بهزاد (۱۳۹۸). ارزیابی میزان توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان به لحاظ برخورداری از خدمات رفاه اجتماعی. برنامه ریزی منطقه‌ای، ۹ (۳۴)، ۹۴-۸۱. https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article\_3553.html
- کریمی موغاری، زهرا؛ براتی، جواد (۱۳۹۶). تعیین سطح نابرابری منطقه‌ای استان‌های ایران: تحلیل شاخص ترکیبی چند بُعدی. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی. ۷ (۲۶)، ۷۰-۴۹. https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article\_2592.html?lang=fa
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). سالنامه آماری کشور ۱۴۰۱. brief-collections#28523. https://amar.org.ir/sign-in?returnurl=%2fsimilar-yearbooks-and-
- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). جایگاه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان‌های کشور ۱۴۰۱-۱۳۹۷. https://amar.org.ir/Portals/0/Articles/jayegah.ostan.1401.pdf?ver=4whblISExDFIY9KVM9cE2Q%3d%3d
- مصیب زاده، علی؛ مظفری نیا، اسما؛ شبستر، محسن (۱۴۰۰). تحلیلی بر نابرابری‌های فضایی و سنجش وضعیت توسعه‌ی منطقه‌ای در استان‌های ایران. جغرافیا و مطالعات محیطی. ۱۰ (۴۰)، ۸۴-۷۱. https://ges.iaun.iau.ir/article\_684741.html
- موسوی، میرنجف و دیگران (۱۴۰۱). تحلیل عدالت فضایی در توزیع کاربری‌های خدماتی در مناطق شهری (نمونه موردی: مناطق ۵ گانه-ارومیه). جغرافیا و مطالعات شهری و منطقه‌ای. ۱۱ (۴۳)، ۱۷۷-۱۶۲. https://ges.iaun.iau.ir/article\_691454.html
- موسوی، میرنجف و دیگران (۱۴۰۱). ارزیابی آسیب‌خیزی و سطح امنیت اجتماعی در سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: محله کشتارگاه-ارومیه). فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی. ۱۳ (۷۲)، ۱۷۶-۱۵۱. Doi: 10.22034/SSS.2023.1266753.1825
- موسوی، میرنجف؛ مدیری، مهدی (۱۳۹۴). اولویت‌سنجی شاخص‌های عدالت اسلامی-ایرانی در تحقق آمایش سرزمین و توسعه متعادل در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر». ۲۴ (۹۵)، ۳۵-۱۷.
- موسوی، میرنجف؛ بایرام‌زاده، نیما (۱۴۰۳). تحلیل فضایی روند نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی اطلاعات جغرافیایی «سپهر». انتشار آنلاین. 2024.2017054.3039. https://doi.org/10.22131/sepahr
- وفایی، بکیانی و دیگران (۱۳۹۸). بررسی رابطه بودجه و رشد اقتصادی استان‌های کشور با لحاظ توزیع اعتبارات بین استانی. مدل‌سازی اقتصادسنجی. ۴ (۲)، ۳۲-۹. doi: 10.22075/jem.2019.18337.1352
- Çınar, İ. T. (2023). Regional development trap and economic complexity in Turkey: Evidence from provincial data. *Regional Science Policy & Practice*. 15 (9), 2224–2253. doi: 10.1111/rsp3.12719
- Enflo, K.; Alvarez-Palau, E. & Marti-Henneberg, J. (2018). Transportation and regional inequality: The impact of railways in the Nordic countries, 1860–1960. *Journal of Historical Geography*. 62, 51–70. https://doi.org/10.1016/j.jhg.2018.05.001
- He, Y.; Wang, Y. & Chen, X. (2019). Spatial patterns and regional differences of inequality in water resources exploitation in China. *Journal of Cleaner Production*. 227, 835–848. https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.04.146
- Hernandez, S. & Monzon, A. (2016). Key Factors for Defining an Efficient Urban Transport Interchange: Users' Perceptions. *Cities*. 50, pp. 158-167. https://doi.org/10.1016/j.cities.2015.09.009.

- Jiang, Y. & Shi, C. (2023). Estimating sustainability and regional inequalities using an enhanced sustainable development index in China. *Sustainable Cities and Society*. 99, 104555. doi: 10.1016/j.scs.2023.104555
- Martin, R.L. (2004). *A Study on the Factors of Regional Competitiveness*. Cambridge: University of Cambridge.
- Mueller, J. et al (2018). Citizen Design Science: A strategy for crowd-creative urban design. *Cities*. 72, 181-188. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.08.018>.
- Rana, I. A.; Routray, J. K. & Younas, Z. I. (2020). Spatiotemporal dynamics of development inequalities in Lahore City Region, Pakistan. *Cities*. 96, 102418. doi: 10.1016/j.cities.2019.102418
- Reinl, A.-K.; Nicoli, F. & Kuhn, T. (2023). Regional inequalities and transnational solidarity in the European Union. *Political Geography*. 104, 102903. <https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2023.102903>
- Sachs, J. D. (2006). *The End of Poverty: Economic Possibilities for Our Time*. New York: The Penguin Press.
- Suparman, S. & Muzakir, M. (2023). Regional inequality, human capital, unemployment, and economic growth in Indonesia: Panel regression approach. *Cogent Economics & Finance*. doi: 10.1080/23322039.2023.2251803
- Wei, Y. D. et al (2020). Regional inequality, spatial polarization and place mobility in provincial China: A case study of Jiangsu province. *Applied Geography (Sevenoaks, England)*. 124, 102296. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2020.102296>
- Zhang, X. et al (2024). Governing regional inequality through regional cooperation? A case study of the Guangdong-Hong Kong-Macau Greater Bay area. *Appl. Geogr.* 162, 103135. doi: 10.1016/j.apgeog.2023.103135

## References

- Abbasi Taghi Dizej, R. & Pashazadeh, A. (2021). Identifying the factors affecting regional inequality in Iran. *Geography and Territorial Spatial Arrangement*. 11 (41), 25-50. <https://doi.org/https://doi.org/10.22111/gaij.2021.6573> (In Persian)
- Ahmadi, M.; Falahati, A. & Delangizan, S. (2020). Transition dynamic analysis of the regional disparity in Iran (Case study: Iran provinces). *Quarterly Journal of Quantitative Economics*. 17 (1), 85-119. [https://jqe.scu.ac.ir/article\\_15041.html?lang=en](https://jqe.scu.ac.ir/article_15041.html?lang=en) (In Persian)
- Amanpour, S. & Mohammadi, C. (2021). An analysis of spatial distribution of development and regional inequalities in Ilam province. *Regional Planning*. 11 (42), 102-117. doi: 10.30495/jzpm.2021.4210 (In Persian)
- Baradaran, Z.; Azari, Z. & Panahi, H. (2021). Identifying information and communication technology as a key factor in the development of the infrastructure sector of East Azerbaijan province: A multisectoral analysis (MSA) approach. *Journal of economics and regional development*. 28 (21), 75-102. doi: 10.22067/erd.2022.68749.1011 (In Persian)
- Dadashpoor, H. & Ahmadi, F. (2009). Regional competitiveness as a new approach in regional development. *Yas Strategy Quarterly*. 22, 51-80. <https://www.sid.ir/paper/480024/fa> (In Persian)
- Dadashpoor, H. & Alvandipour, N. (2018). Spatial justice and regional inequality: An interdisciplinary systematic review. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*. 10 (3), 79-112. doi: 10.22035/isih.2018.284 (In Persian)
- Dadashpoor, H. & Shojaee, D. (2022). Spatial inequality and the center-periphery relationship in Iran: The provision of a theoretical model using Lynham Theorizing method. *Town and Country Planning*. 14 (1), 25-59. doi: 10.22059/jtcp.2022.334526.670279 (In Persian)
- Dehghan shabani, Z.; hadian, E. & negahdari, J. (2019). Analysis of the relationship between regional inequality and economic development in Iran: Spatial dynamic panel data approach. *Journal of Economic Research (Tahghighat- E- Eghtesadi)*. 54 (4), 875-890. doi: 10.22059/jte.2019.74169 (In Persian)
- Fotros, M. H. & Fatemi Zardan, Y. (2020). Comparative comparison of the development process and the inequality of provinces of the country in the periods of 1380, 1390, and 1395: The core-periphery approach. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*. 9 (35), 63-89. doi: 10.22084/aes.2020.20138.2942 (In Persian)
- Ghaderi Hajat, M. & Hfeznia, M. R. (2018). Strategies for achieving spatial/geographic justice in Iran. *Research Political Geography Quarterly*. 3 (3), 25-57. doi: 10.22067/pg.v4i9.75411 (In Persian)
- Ghaderi-Hojjat, M. & Mokhtari-Hashi, H. (2018). Space Justice in Iran and the Political Organization of Space in Tehran, *Journal of Political Spatial Planning*, 1 (1), 31- 38. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26455145.2018.1.1.5.0> (in Persian)
- Ghaffary fard, M. & Shojaei, M. R. (2020). Investigation of the performance of budget distribution between different provinces of Iran according to their capacity and needs during the first and last years of the tenth and eleventh government. *Qjefp*. 7 (28), 111-143. <http://qjefp.ir/article-1-1045-fa.html> (In Persian)

- Ghasemy, M R. et al (2015). Analysis of the distribution assets acquisition of capital budget in state of Iran (1379-1390). *JPBUD*. 20 (1), 37-66. <http://jpbud.ir/article-1-1078-fa.html> (In Persian)
- Hafez Nia, M. R. & Ghaderi Hajat, M. (2019). Foundations of spatial injustice in Iran. *Political Organizing of Space*. 1 (2), 117-127. <http://psp.modares.ac.ir/article-42-29141-fa.html> (In Persian)
- Ibrahimzadeh, I.; Mousavi, M. N. & Kazemizad, S. (2012). Spatial analysis of regional disparities between the central and border areas of Iran. *Geopolitics Quarterly*. 8 (25), 214-235. [https://doi.org/https://journal.iag.ir/article\\_56080.html?lang=en](https://doi.org/https://journal.iag.ir/article_56080.html?lang=en) (In Persian)
- Jamshidi, R. et al (2017). Impact of share of the agricultural sector on distribution provincial constructive budget: Using spatial regression. *Journal of Agricultural Economics and Development*. 31 (2), 136-148. <https://doi.org/10.22067/jead2.v31i2.59482> (In Persian)
- Jiang, Y. & Shi, C. (2023). Estimating sustainability and regional inequalities using an enhanced sustainable development index in China. *Sustainable Cities and Society*. 99, 104555. doi: 10.1016/j.scs.2023.104555.
- Karimi Moughari, Z. & Barati, J. (2017). Determining the level of regional inequality in provinces of Iran: analysis of multidimensional composite index. *Economic Growth and Development Research*. 7(26), 49-70. [https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article\\_2592.html?lang=en](https://egdr.journals.pnu.ac.ir/article_2592.html?lang=en) (In Persian)
- Karimzadeh, M. & Karimzadeh, B. (2019). Evaluating Development level of Sistan and Baluchistan counties in terms of social welfare services. *Regional Planning*. 9 (34), 81-94. [https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article\\_3553.html?lang=en](https://jzpm.marvdasht.iau.ir/article_3553.html?lang=en) (In Persian)
- Martin, R.L. (2004), *A Study on the Factors of Regional Competitiveness*. Cambridge: University of Cambridge.
- Mosayyebzadeh, A.; Mozafari Niya, A. & Shabestar, M. (2022). Analysis of spatial inequalities and assessing of regional development status in the provinces of Iran. *Journal of Geography, Urban and Regional Studies*. 10 (40), 71-84. [https://ges.iaun.iau.ir/article\\_684741.html?lang=en](https://ges.iaun.iau.ir/article_684741.html?lang=en) (In Persian)
- Mousavi, M. N. & Modiri, M. (2015). Prioritization of the Islamic-Iranian justice indices in realization of land use planning and balanced development in Iran. *Scientific- Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR)*. 24 (95), 17-35. doi: 10.22131/sepehr.2015.15547 (In Persian)
- Mousavi, M. & Bayramzadeh, N. (2024). Spatial analysis of the trend of regional inequalities in Iran. *Scientific- Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR)*. Articles in Press. doi: 10.22131/sepehr.2024.2017054.3039 (In Persian)
- Mousavi, M. et al (2023). Assessment of vulnerability and societal security level in informal settlements (Case study: Koshtargah neighborhood-Urmia). *Societal Security Studies*. 13 (72), 151-176. doi: 10.22034/sss.2023.1266753.1825 (In Persian)
- Mousavi, M. et al (2022). Analysis of spatial justice in the distribution of service uses in urban areas (Case study: 5 regions - Urmia). *Journal of Geography, Urban and Regional Studies*. 11 (43), 162- 177. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/ges/Article/691454?jid=691454> (In Persian)
- Mueller, J. et al (2018). Citizen Design Science: A strategy for crowd-creative urban design. *Cities*. 72, 181-188. <https://doi.org/10.1016/j.cities.2017.08.018>.
- Rahmani Fazli, H.; Nikbakht, S. & Molabahrani, A. (2019). The effect of the budget on regional inequality of Iran using panel spatial econometrics model. *Economic Research and Policies*. 27 (89), 399-430. <http://qjerp.ir/article-1-1835-fa.html> (In Persian)
- Rana, I. A.; Routray, J. K. & Younas, Z. I. (2020). Spatiotemporal dynamics of development inequalities in Lahore City Region, Pakistan. *Cities*. 96, 102418. doi: 10.1016/j.cities.2019.102418
- Reinl, A.-K.; Nicoli, F. & Kuhn, T. (2023). Regional inequalities and transnational solidarity in the European Union. *Political Geography*. 104, 102903. <https://doi.org/10.1016/j.polgeo.2023.102903>
- Sarvar, R.; Eshghi Chaharborj, A. & Alavi, S. (2017). Economy of space and regional inequalities Case study: Ardabil province. *Regional Planning*. 6 (24), 59-72. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516735.1395.6.24.5.9> (In Persian)
- Sachs, J. D. (2006). *The End of Poverty: Economic Possibilities for Our Time*. New York: The Penguin Press.
- Statistical Center of Iran (1401). *Statistical Yearbook of the Country 1401*. <https://amar.org.ir/similar-yearbooks-and-brief-collections#28523> (In Persian)
- Statistical Center of Iran. (1402). *The Economic, Social and Cultural Status of the Country's Provinces 1397-1401*. <https://amar.org.ir/Portals/0/Articles/jayegah.ostan.1401.pdf?ver=4whblISEXDFIY9KVM9cE2Q%3d%3d> (In Persian)

Suparman, S. & Muzakir, M. (2023). Regional inequality, human capital, unemployment, and economic growth in Indonesia: Panel regression approach. *Cogent Economics & Finance*. doi: 10.1080/23322039.2023.2251803

Teymoori, R. (2019). Investigating the impact of growth poles on regional economic and social development with the approach of reducing informal economic activities. *Hidden Economy*. 4 (15), 79-101. [https://hem.epe.ir/article\\_101843.html?lang=en](https://hem.epe.ir/article_101843.html?lang=en) (In Persian)

Vafae Bakyani, H.; Mashhadiahmad, M. & Mehrara, M. (2019). Investigating the effect of budget shocks on economic growth of provinces in terms of distribution of inter-provincial credits. *Journal of Econometric Modelling*. 4 (2), 9-32. <https://doi.org/10.22075/jem.2019.18337.1352> (In Persian)

Wei, Y. D. et al (2020). Regional inequality, spatial polarization and place mobility in provincial China: A case study of Jiangsu province. *Applied Geography (Sevenoaks, England)*. 124, 102296. <https://doi.org/10.1016/j.apgeog.2020.102296>

Zebardast, E. & Haghroosta, S. (2017). Typology of theoretical and empirical approaches on regional disparities. *Journal of Architecture and Urban Planning*. 10 (19), 153-169. doi: 10.30480/aup.2017.543 (In Persian)

Zhang, X. et al (2024). Governing regional inequality through regional cooperation? A case study of the Guangdong-Hong Kong-Macau Greater Bay area. *Appl. Geogr.* 162, 103135. doi: 10.1016/j.apgeog.2023.103135

**نحوه ارجاع به مقاله:**

بایرام زاده، نیما؛ موسوی، میرنجف (۱۴۰۳)، بررسی ارتباط توسعه یافتگی و تخصیص منابع در ایجاد سکونت گاه‌های انسانی جدید در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ (نمونه موردی: ایران)، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، ۱۳ (۴۹)، ۱۲۰-۱۳۹.

**Copyrights:**

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی